دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ٦، شماره ١٢، پاییز و زمستان١٣٩٨

واکاوی معنای واژه فوت و تفاوت در قرآن کریم و برگردان‌های فارسی آن

فاطمه حسینی علایی[1*]، جواد فتحی اکبرآبادی[2]

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع ثمین، تهران، ایران
۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع ثمین، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

چکیده

ترجمه واژه‌ها در قرآن کریم به زبان فارسی ، همواره ذهن پژوهشگران این کتاب آسمانی را به خود مشغول نموده است. یکی از این واژه‌های چالش‌برانگیز، کلمه "تفاوت" است که با مفهوم عام خود که همان اختلاف و فرق بین اشیاست، سازگار نیست . مقاله حاضر در صدد بوده است با روش توصیفی -تحلیلی ، معنای لغوی ریشه فوت و سایر مشتقات آن به ویژه تفاوت را مورد واکاوی قرار داده و بر اساس یافته های پژوهش، ترجمه های قرآنی آن را مورد ارزیابی قرار دهد. از جمله نتایج پژوهش این بوده است که واژه "فوت" در ترجمه‌ها غالباً به معنای "رهایی" و "نجات" ترجمه شده که صحیح آن "فرصتی برای رهایی" است. همچنین اکثر مترجمان واژه "تفاوت" را به مفاهیمی چون "فرق"، "اختلاف"، نابسامانی"، "ناهمگونی"، "ناهماهنگی"، "خلل"، "عیب" و "نقص" ترجمه کرده‌اند که با توجه به سیاق آیه و مفهوم لغوی این واژه، ترجمه های یاد شده، مناسب ارزیابی نمی شود و ترجمه صحیح آن را می توان "گسستگی" و "نیستی" دانست که با هدف آفرینش نیز کاملاً سازگار است.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه، تفاوت، فوت، نیستی

*نویسنده مسئول مقاله: Email: hoseinif114@gmail.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

١- مقدمه

معانی واژه‌ها در ترجمه از زبانی به زبان دیگر همواره چالش‌برانگیز بوده و باعث اختلاف فهم مخاطبان گردیده است. از جمله این واژه‌ها، واژه "فوت" و مشتقات آن به ویژه "تفاوت" می‌باشد که مترجمان قرآن کریم در ترجمه آنها به فارسی دچار اختلاف فراوان شده‌اند.

واژه "فوت"و مشتقات آن در سوره‌های آل‌عمران، حدید و ممتحنه به شکل فعل ماضی "فاتَ" و در سوره "سبا" به شکل مصدری "فوت" و در سوره "ملک" به شکل مصدر ثلاثی مزید باب تفاعل یعنی "تفاوت" به کار رفته است. در بین این کلمات معنای واژه "تفاوت"، در ترجمه بسیار چالش‌برانگیز است؛ زیرا مفاهیمی چون نقص، تفاوت، نابسامانی، فرق، عیب، اختلاف، ناسازواری، بی‌ضابطگی، کاستی و ... در ترجمه واژه "تفاوت" آمده که ذهن ما را به خود مشغول کرده بود. بویژه مفاهیمی چون اختلاف، فرق و نقص که نمی‌تواند معنای صحیحی برای این واژه باشد؛ چون در عالم خلقت تمامی این موارد دیده می‌شود و ما نیز برای پاسخگویی به همین اشکالات این مقاله را نگاشته‌ایم.

البته در سایر مشتقات "فوت" نیز اشکالاتی وجود دارد که به آنها نیز پاسخ خواهیم داد. اما به اندازه ترجمه "تفاوت" مهم نیست.

١-١- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: آیا مترجمان فارسی زبان در ترجمه‌ی قرآنی واژه‌های فوت و تفاوت دچار خطا شده‌اند یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال باید به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

الف- مفهوم لغوی واژه فوت در زبان عربی و اختلاف آن با زبان فارسی چیست؟

ب- مفهوم واژه تفاوت در زبان عربی و فارسی با هم چه فرقی دارد؟

ج- ترجمه فارسی واژه‌های فوت و تفاوت در آیات قرآن کریم دارای چه اشکالاتی است؟

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

د- خطای مترجمان فارسی زبان در ترجمه فوت و مشتقات آن به ویـژه تفـاوت در آیـات قرآن کریم ناشی از چه امری است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی واژه‌های "فـوت" و مشـتقات آن بـه ویـژه "تفـاوت" پیشـینه پژوهشـی در خوری دیـده نمـی‌شـود و فقـط در سـایت http://www.islamquest ضـمن پرسـش و پاسخی به اختلاف معنای واژه‌های "تبعیض" و "تفـاوت" پرداختـه و فقـط بـه مفهـوم دور شدن که یکی از معانی "فوت" است اشاره نموده و دیگر بحثی در این زمینه به میان نیامـده اسـت. البته در لغت‌نامه‌های عربی قدیم مانند العین خلیل‌بن احمد، صحاح جـوهری، مفـردات راغـب و ... مباحثی چند پیرامون معانی مختلف "فوت" وجود دارد و در قرن اخیـر نیـز در التحقیـق مصـطفوی بحثی مفصل به میان آمده که بیشتر همان کار لغوی است. بنابراین این پژوهش کاملاً پژوهشـی نـو و تازه می‌باشد.

۱-۳- ضرورت، اهمیت و هدف تحقیق

ضرورت این پژوهش چالشی بوده که پیرامون معنای واژه "تفاوت" در قرآن کریم در ذهـن ما به وجود آمده و اهمیت آن پاسخگویی بـه حـل ایـن چـالش در ذهـن مـا و بسـیاری از مخاطبان می‌باشد. هدف این تحقیق آن است که ترجمه‌های نادرسـت واژه "تفـاوت" را بـه مخاطبان نشان داده و صحیح آن را نیز بیان کند.

۱-۴- روش تحقیق

روش این تحقیق تحلیلی و کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه ترجمـه واژه فـوت و مشـتقات آن در قرآن کریم، لغت‌نامه‌های عربی و فارسی و ترجمه‌های قرآن و برخـی از تفاسـیر شـیعه و اهل سنت است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

٢- بررسی مفهوم لغوی "فوت" و مشتقات آن در زبان عربی

فوت و فوات دو مصدر اصلی این واژه می‌باشد که بـه معنـای از دسـت رفـتن آمـده اسـت (فراهیدی، ١٤١٠، ج ٨: ١٣٧؛ ابن‌فـارس، ١٤٠٤، ج ٤: ٤٥٧؛ جـوهری،١٣٦٨، ج ١: ٢٦٠؛ ابـن‌دریـد، ١٩٨٧، ج ٣: ١٢٧٩؛ ازهری، ١٤٢١، ج ١٤: ٢٣٥؛ صاحب‌بن‌عباد،١٤١٤، ج ٩: ٥٤٠؛ ابن‌سـیده، ١٤٢٤، ج ٩: ٥٤٠؛ راغب اصفهانی، ١٤١٢: ٦٤٦ و ...).

واژه "فوت" به همراه مشتقات آن به معانی زیر آمده است:

فاتني يفوتني فأنامفوت: از دستم رفت و می‌رود و من (آن‌را) از دست داده‌ام» (فراهیـدی، ١٤١٠، ج ٨: ١٣٧).

الفَوْت: الفُرْجةبين الشَّيئين،كالفُرجةبين الإصـبَعَين و الجمـع أفـوات : گسسـتگی بـین دو شیء مانند فاصله بین دو انگشت و جمع آن افوات می‌باشد؛ ماتَ موتَ الفَـوات، إذا فَـوجئ: مرگ ناگهانی؛ «جعل الله تعالی رزقَه فوتَ فيه»، أی حيث يراه و لا يصلُ إليـه: نـوعی نفـرین است هنگامی که شخصی کسی را نفرین کرده و می‌گوید: خدا روزی تو را فوات قرار دهـد جایی است که رزق و روزی را می‌بیند ولی به آن نمی‌رسد (فراهیـدی، ١٤١٠، ج ٨: ١٣٧؛ ابـن فارس، ١٤٠٤، ج٤: ٤٥٧؛ جوهری، ١٣٦٨، ج١: ٢٦٠؛ صاحب بن عباد،١٤١٤، ج٩: ٥٤٠؛ ابـن سـیده، ١٤٢٤، ج٩: ٥٤٠؛ ابن منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩؛ فیروزآبادی، ١٤١٥: ٢٠٨؛ زبیدی، ١٤١٤، ج ٣: ١٠٤).

فائت: از دست رونده (ابن‌سیده، ١٤٢٤، ج ٩: ٥٤٠؛ ابـن‌منظـور، ١٣٧٦، ج٢: ٦٩؛ فیروزآبـادی، ١٤١٥: ٢٠٨؛ زبیدی، ١٤١٤، ج ٣: ١٠٤).

لايفتات،أی لايفوت: فوت نمی‌شود (فراهیدی، ١٤١٠، ج ٨: ١٣٧).

فاتَنی كذاأی سَبَقَنی: از من سبقت گرفت؛ فاتَنی الأمرُفَوْتـاً وفَواتـاً: ذهَـب عنـی: از دسـتم رفت؛ وافْتاتَ عليه فی الأمْرِ: حكَمَ: حکم کرد؛ افْتاتَ بأمره أی مَضی عليـه: از او عبـور کـرد. (ابن‌منظور،١٣٧٦، ج ٢: ٦٩)

تَفاوَتَ الشيئان أي تَباعدما بينهماتَفاوُتا: بین آندو فاصله ایجاد شـد(ابـن‌فـارس،١٤٠٤، ج ٤: ٤٥٧؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

الافْتِيات الفَراغ: رهایی (ازهری، ١٤٢١، ج ١٤: ٢٣٥؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦:ج٢: ٦٩؛ زبیدی،١٤١٤، ج ٣: ١٠٤).

وافْتاتَ‌الكلامَ: ابْتَدَعَه: شروع کلام نو(صاحب‌بن‌عباد،١٤١٤، ج ٩: ٥٤٠؛ فیروزآبادی، ١٤١٥: ٢٠٨)

التفاوت: عدم التناسب،كأن بعض الشيءيفوت بعضا ولايلائمه: عدم تناسب،گویی بعضی چیزها از دست میرود و متناسب نیست (زمخشری، ١٤٠٧، ج ٤: ٥٧٦).

در تمام مشتقات واژه فوق، نوعی گسستگی و عدم و نیستی دیده می‌شود که بارزترین آن از دست دادن و فاصله بین دو شیء است؛ بر همین اساس راغب "فوت" را دور شدن چیزی می‌داند که رسیدن به آن غیر ممکن است (راغب اصفهانی، ١٤١٢: ٦٤٦) و ما نیز بر همین امر تأکید داریم.

مصطفوی نیز عدم رسیدن و وصول شیء را به عنوان رابط اصلی در بین تمامی مشتقات این واژه مطرح کرده و آن را ناشی از امور دنیوی می‌داند که نقص، فقر، نیستی، گسستگی و سایر موارد از لوازم آن است (همو، ١٣٦٨، ج ٩: ١٤٩).

واژه تفاوت که مورد نظر ماست، به معانی فاصله و دوری بین دو شیء (جوهری،١٣٦٨، ج ١: ٢٦٠؛ ازهری، ١٤٢١، ج ١٤: ٢٣٥؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩؛ طریحی، ١٣٧٥، ج ٢: ٢١٤؛ فیروزآبادی، ١٤١٥: ٢٠٨)، اختلاف و اضطراب (ازهری، ١٤٢١، ج ١٤: ٢٣٥؛ ابن‌سیده، ١٤٢٤، ج ٩: ٥٤٠؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩) و اختلاف در ویژگیها و اوصاف (راغب اصفهانی، ١٤١٢: ٦٤٦) آمده است.

برخی از لغت‌نویسان ذیل آیه ﴿**ما تَرىٰفِي خَلْقِ الرَّحْمنِ مِنْ تَفاوُتٍ**﴾ این واژه را بیشتر به معنای اختلاف که آن نیز ناشی از حکمت است گرفته‌اند (جوهری، ١٣٦٨، ج ١: ٢٦٠؛ ازهری، ١٤٢١، ج ١٤: ٢٣٥؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩؛...) و همانها به نقل از برخی از مفسران آن را به معنای "خلل و عیب" آورده‌اند (ابن‌سیده، ١٤٢٤، ج ٩: ٥٤٠؛ ابن‌منظور، ١٣٧٦، ج ٢: ٦٩) که به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم آیه معنای اختلاف صحیح نمی‌باشد؛ زیرا اگر معنای "تفاوت" اختلاف مثبت باشد که نفی آن در آیه وجهی ندارد و اگر به معنای خلل و

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

نقص نیز باشد که در ظاهر مخلوقات چنین اموری کاملاً پیدا و آشکار است. البتـه در بحـث ترجمه آیه، پاسخ دقیق تری به این مسئله خواهیم داد.

با توجه به مطالب فوق باید گفت: اگر بعضی "تفاوت" را به معنای اختلاف در اوصـاف گرفته اند در واقع به این امر اشاره دارد که یک شیء دارای صفتی است کـه شـیء دیگـر آن صفت را ندارد و اگر فوت به معنای مرگ ناگهانی آمده در واقع فرصـت وصـیت کـردن یـا سایر اموری که میت به آنها نیاز دارد را از او سلب کرده است. بنـابراین در مفهـوم واژه‌هـای "فوت"، "فاتَ" و "تفاوت" باید به نکات فوق توجه کرد.

۳- نقد و بررسی ترجمه‌هـای فارسـی "فـوت"، "فـاتَ" و "تفـاوت" در قرآن‌کریم

با جستجویی که در بیش از ۳۷ ترجمه فارسی قرآن کریم و دهها تفسیر شیعه و اهل سـنت بـه عمل آوردیم، به اختلافات فراوانی که در مفهوم فارسی فوت و مشتقات آن دیده می‌شـود، پـی بردیم؛ البته در آیات پنجگانه‌ای که مشتقات این واژه در آنها آمده، تفاوتهـای محسوسـی بـه ویژه در معنی واژه "تفاوت" دیده می‌شود.

چنانکه قبلاً نیز گفتیم تمرکز اصلی ما در ترجمه فارسی "تفـاوت" خواهد بود؛ زیرا سـایر مشتقات "فوت" دارای چالش کمتری در ترجمه مـی‌باشـد. روش مـا در ایـن بخـش بـر آن است که:

اولاً: تفسیری مختصر از آیه بیاوریم.

ثانیاً: ترجمه‌های فارسی مختلف را ارائه دهیم.

ثالثاً: به نقد و بررسی ترجمه‌ها پرداخته و نظر خود را نیز ذکر کنیم.

۳-۱- ﴿لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ﴾ (آل‌عمران/ ۱۵۳)

الف- تفسیر و ترجمه:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

آیه فوق در مورد شکستی است که مسلمین در جنگ احد متحمل شدند و مراد از "مَافَاتَکُمْ" فوت غنیمت (طبری، ١٤١٢، ج ٤: ٨٩؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ٢: ٨٦٤)، یا منافع (زمخشری، ١٤٠٧: ٤٢٧)، یا پیروزی از دست رفته مسلمین در جنگ است (طباطبایی، ١٤١٧، ج ٤: ٤٥).

اکثر مترجمان واژه «فات»را در آیه فوق به معنای از دست دادن، از دست رفتن، از کف دادن و فوت شدن ترجمه کرده‌اند که ذیلاً به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- تا دژم نشوید برآنچه فائت شد از شما و نه برآنچه رسید به شما (ابوالفتوح رازی، ١٤٠٨، ج ٥: ١٠٤).
- اکنون اندوه آنچه را که از دست داده‌اید ، یا رنجی را که به شما رسیده است ، مخورید (آیتی، ١٣٧٤: ٦٩).
- تا به آنچه از دست داده‌اید و بر سرتان آمده نگران نشوید (ارفع، ١٣٨١: ٦٩).
- اکنون بر آنچه از دست داده‌اید و آنچه بر شما رفته است اندوهناک نباشید (پورجوادی، ١٤١٤: ٦٨).
- تا از این پس برآنچه از دست رفت یا برای رنج و المی که به شما می‌رسد اندوهناک نشوید (الهی‌قمشه‌ای، ١٣٨٠: ٦٩).
- تا برآنچه که از [غنیمت] که از دست تان رفته و آنچه از [قتل و هزیمت] که به شما رسیده اندوه مخورید (خواجوی، ١٤١٠: ٢٦).
- تابرآنچه [ازپیروزی و غنیمت] از دست تان رفته و به آنچه [از آسیب و مصیبت] به شما رسیده، اندوهگین نشوید (انصاریان، ١٣٨٣: ٦٩).

ب- نقد و بررسی:

در بررسی این آیه باید به چند نکته توجه شود:

١- همانطور که در بالا آوردیم، آیه مربوط به شکست مسلمین در جنگ احد بوده و عبارت "مَافَاتَکُمْ" مربوط به هر خیری است که در نتیجه شکست مسلمانان از دست آنان

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

رفته و عبارت **"مَاأَصَابَكُمْ"** مربوط به سختی‌ها و شدائدی است کـه مؤمنـان در ایـن جنـگ متحمل شدند که به صورت مصداقی به نظر برخی از مفسران اشاره کردیم.

٢- با توجه به اینکه فعل (فاتَ) ماضی می‌باشـد و ضـمیر (کـم) نیـز مفعـول آن اسـت، ترجمه دقیق (فاتکم)، "از دست شـما رفـت" مـی‌باشـد؛ امـا ترجمـه سـلیس و روان آن در فارسی همان "از دست‌دادید" است. در هر صورت اشکال خاصـی در ترجمـه (فـاتکم) در آیه فوق دیده نمی‌شود مگر تبدیل غایب به مخاطب.

لذا بهتر است آیه این گونه ترجمه شود: (تا برآن‌چه (از خیر) که از دست شـما رفتـه یـا آن‌چه (از مصیبت) که به شما رسیده، اندوهگین نشوید.)

٣-٢- ﴿لِكَيْلاتَأْسَوْاعَلىمافاتَكُمْ وَلاتَفْرَحُوابِماآتاكُم﴾ (حدید/ ٢٣)

الف- تفسیر و ترجمه:

آیه فوق درباره فضیلت اخلاقی دنیاگریزی و عدم وابستگی بـه آن اسـت. در واقـع آیـه می‌خواهد ما را نسبت به آنچه از دست داده‌ایم یا به دست می‌آوریم، هشدار دهد که نسـبت به آنچه از دست داده‌ایم غمگین نشویم و نسبت به آنچـه بـه دسـت مـی‌آوریـم، خوشـحال نگردیم و این نهایت زهد است.

چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «همه زهد بین دو کلمه از قرآن آمده اسـت. خـدای تعالی فرمود: **﴿لِكَيْلاتَأْسَوْاعَلى مافاتَكُمْ وَ لاتَفْرَحُوابِماآتاكُمْ﴾**، کسـی کـه بـر گذشـته تأسّـف نخورد و به آنچه که به دست می‌آید خوشحال نگردد، هر دو طـرف زهـد را دارا مـی‌باشـد» (خانی‌رضا، ١٣٧٢، ج ١٣: ٥٨٢).

برخی عبارت (مافاتَكُمْ) را به دنیا (طبری، ١٤١٢، ج ٢٧: ١٣٥)، لذتها و زینت‌هـای دنیـوی (طوسی، بی‌تـا، ج ٩: ٥٣٣) و نعمت‌های دنیا (میبـدی، ١٣٧١، ج ٩: ٤٩٨؛ طباطبـایی، ١٤١٧، ج ١٩: ١٦٧) تفسیر کرده و (ماآتاكُم) را نیـز بـه دنیـا (طبـری، ١٤١٢، ج ٢٧: ١٣٥؛ میبـدی، ١٣٧١، ج ٩: ٤٩٨)، نعمت‌های دنیا (طباطبایی، ١٤١٧، ج ١٩: ١٦٧) و طغیانگری و تکبر(طوسـی، بـی‌تـا، ج ٩:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

۵۳۳) مربوط می‌دانند. با توجه به تفسیری که از آیه فوق آوردیم، اینک نظر مترجمان را نیز در این‌باره می‌آوریم:

ترجمه عبارت ﴿لِكَيْلاتَأْسَوْاعَلىمافاتَكُمْ وَلاتَفْرَحُوابِماآتاكُم﴾:

- تا تنگ دل نشوید بر آنچه فایت شد از شما و شاد نشوید به آنچه داد شما را (ابوالفتوح رازی، ١٤٠٨، ج ١٩: ٦).

- تا آن‌که بر آنچه از دست شما رفته، دریغ مخورید و بر آنچه به شما بخشیده، شادمانی مکنید (برزی، ١٣٨٢: ٥٤٠).

- تا اندوهگین و دلتنگ نشوید بر آنچه از دست شما رفته است و به آنچه به شما داده شده دلشاد نگردید (بروجردی، ١٣٦٦: ٩٨١).

- به خاطر آن‌که بر آنچه از دست تان رفته تأسف مخورید و به آنچه به شما داده است شادمان مَباشید (رضایی اصفهانی، ١٣٨٣: ٥٤٠).

- تا بر آنچه از دست تان می‌رود اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید (آیتی، ١٣٧٤: ٥٤٠).

- برای آن‌که آنچه از دست شما می‌رود زیاد متأسف نباشید و آنچه بدست می‌آورید، زیاده از حد خوشحال نباشید (کاویانپور، ١٣٧٨: ٥٤٠).

- تا بر آنچه از شما فوت شده غصه نخورید و به سبب آنچه به شما داده متکبر نباشید (قرشی،١٣٧٧، ج ١١: ٣٣).

- تا شما نسبت به آنچه از دست می‌دهید تأسف نخورید و درباره آنچه به دست می‌آورید، شادمان نگردید (ارفع، ١٣٨١: ٥٤٠).

- [این موضوع را بیان کردیم] تا بر آنچه از دستتان برود، اندوه نخورید و به آنچه [خداوند] به شما بدهد، شاد نشوید (انصاری، ١٣٧٧: ٥٤٠).

- تا بر آنچه از دست شما رفت دریغ نخورید و بر آنچه به شما دهد شادی نکنید (گرمارودی، ١٣٨٤: ٥٤٠).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

- این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید و به آنچه بـه شـما داده است دل بسته و شادمان نباشید (مکارم شیرازی، ١٣٧٣: ٥٤٠).

ب- نقد و بررسی:

در نقد ترجمه‌های آیه فوق باید گفت:

١- با توجه به سیاق و تفسیر آیه، واژه (**فاتکم**) به همان مفهـوم عمـومی فـوت یعنـی از دست داده‌اید یا از دست شما رفته ترجمه می‌شود.

٢- اشکالات ترجمه‌ای در این آیه نیز مانند آیه قبل مربوط به ترجمه غایب بـه مخاطـب است.

٣- برخی از مترجمان فوق به جای فعل ماضـی "رفـت" از فعـل مضـارع "مـی‌رود" (آیتـی، ١٣٧٤: ٥٤٠؛ کاویـانپور، ١٣٧٨: ٥٤٠) ، "رود" (معـزی، ١٣٧٢: ٥٤٠) و "بـرود" (انصـاری، ١٣٧٧: ٥٤٠)، استفاده کرده و برخی دیگر به جای فعـل ماضـی "از دسـت داده‌ایـد" از فعـل مضارع "می‌دهید" (ارفع، ١٣٨١: ٥٤٠) بهره جسته‌اند که صحیح نیست؛ زیرا اولاً فعـل ماضـی فقط در حالت شرط، دعا یا نفرین به صورت مضارع ترجمـه مـی‌گـردد. ثانیـاً بـا توجـه بـه حدیثی که در بالا آوردیم به نظر می‌رسد که امور فوت شده مربوط به گذشته بوده و امـوری که به انسان داده می‌شود، مربوط به حال یا آینده اسـت و معمـولاً انسـانها بـه آنچـه کـه در گذشته از دست داده‌اند، غمگین و نسبت به آنچه که اکنون دارند یا به دسـت خواهنـد آورد، خوشحال می‌شوند.

٣-٣- ﴿وَإِنْ فاتَكُمْ شَيْءٌمِنْ أَزْواجِكُمْ إِلَىالْكُفَّارِفَعاقَبْتُمْ﴾ (ممتحنه/١١)

الف- تفسیر و ترجمه:

مفسران منظور از شیء فوت شده در این آیه را مهریه‌ای می‌دانند که به واسـطه ارتـداد زنـان مسلمان از دست رفته و گویا به شوهرانشـان ضـرری وارد شـده اسـت (طبـری، ١٤١٢، ج ٧: ١٨٣٧؛ طوسی، بی‌تا، ج ٩: ٥٨٦؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ٩: ٤١٣؛ فخـر رازی، ١٤٢٠، ج ٢٩: ٥٢٣؛ فـیض کاشانی، ١٤١٥، ج ٥: ١٦٥؛ طباطبایی، ١٤١٧، ج ١٩: ٢٤١ و ...).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

با توجه به تفاسیر فوق برخی از مترجمان این بخش از آیه را چنین ترجمه کـرده‌انـد کـه به جهت عدم تکرار به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

- و اگر رفت چیزی از زنان شما به سوی کافران (زنانتان رفتند و کافران مهـر را ندادنـد) و شما صاحب غنیمت شدید (ابوالفتوح رازی، ١٤٠٨، ج ١٩: ١٥٠).

- و اگر یکی از زنان شما به کفار پیوست و آنگاه به انتقام از کـافران برخاسـتید (آیتـی، ١٣٧٤: ٥٥٠).

- و اگر رفت کسی از زنان شما به سوی کافران بعد ردّت و به دست آوردیت مـالی از ایشان بعد این حالت (نسفی، ١٣٦٧، ج ٢: ١٠٥١).

- و اگر یکی از زنان شما به سوی کافران رفتند و (شما در جنگ) بـه غنیمتـی رسـیدید (رهنما، ١٣٤٦، ج ٤: ٣٢١).

- اگر کسی از همسرانتان سوی کفار گریخت و نوبت به شما رسید [که مهر زنانی را بـه کفار بپردازید] (پاینده، بی تا: ٤٦٧).

- و اگر رفت از شما چیزی از همسرانتان به سوی کافران پـس نوبـت یافتیـد (مصـباح زاده، ١٣٨٠: ٥٥١).

- و اگر رفت از شما چیزی از جفت هاتان به سوی کافران پـس نوبـت یافتنـد (صـفی علیشاه، ١٣٧٨: ٧٦٣).

- و اگر از دست شما رفت چیزی از زنان شما به سوی کـافران پـس در برابـر از آنـان برده گرفتید (معزی، ١٣٧٢: ٥٥١).

- و اگر رفت از شما چیزی از جفتهاتان به سوی کافران پـس نوبـت یافتیـد (شـعرانی، ١٣٧٤: ٥١٢).

- و اگر کسی از زنان شما به جانب کفّار رود [و مهرتان را نپردازد] آن گـاه کـه از آنـان غنیمت گرفتید (برزی،١٣٨٢: ٥٥٠).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

ب- نقد و بررسی:

برخلاف دو آیه قبلی، عبارت **(فاتکم)** دارای ترجمه‌های متفاوتی در نزد مترجمان می‌باشد که بسیاری از این مترجمان متأسفانه آن را نادرست ترجمه کرده‌اند و ما به خاطر عدم تکرار ترجمه‌های اشتباه به اندکی از آن‌ها اشاره کردیم. علت آن نیز واژه **(شَيْءٌ)** است که فاعل این فعل می‌باشد.

بسیاری از مترجمان **(شَيْءٌ)** را به زنان (آیتی، ١٣٧٤: ٥٥٠؛ قرشی، ١٣٧٧، ج ١١: ١٢٧ و ر.ک: نسفی، ١٣٦٧، ج ٢: ١٠٥١؛بانوی اصفهانی، ١٣٦١، ج ١٢: ٢٦١؛ عاملی، ١٣٦٠، ج ٨: ٢٤٧؛ پورجوادی، ١٤١٤: ٥٥٠؛ خواجوی، ١٤١٠: ٢١٩؛ فولادوند، ١٤١٥: ٥٥٠؛ گرمارودی، ١٣٨٤: ٥٥٠؛ صفارزاده، ١٣٨٠: ١٣٤٨؛ الهی قمشه‌ای، ١٣٨٠: ٥٥٠؛بروجردی، ١٣٦٦: ١٠٠١؛کاویانپور، ١٣٧٨: ٥٥١؛ رهنما، ١٣٤٦، ج ٤: ٣٢١؛ برزی،١٣٨٢: ٥٥٠؛ نوبری، ١٣٩٦: ٤٨٨؛ انصاریان، ١٣٨٣: ٥٥٠؛ پاینده، بی‌تا: ٤٦٧؛ مکارم شیرازی، ١٣٧٣: ٥٥١؛ مشکینی، ١٣٨١: ٥٥١) یا بعضی از زنان (ارفع، ١٣٨١: ٥٥١؛ انصاریان،١٣٨٣: ٥٥٠؛ مکارم شیرازی،١٣٧٣: ٥٥١، مشکینی،١٣٨١: ٥٥١)، ترجمه کرده و بر همین اساس "فاتَ" را معادل "ذهب" گرفته آن را در فارسی "رفت"، "رفتند"، "رود" و "برود" ترجمه کرده‌اند (همان‌ها)، که کاملاً ترجمه غلطی است؛ اما برخی از مترجمان قدیم یا کنونی یا برخی از مفسران فارسی زبان آنرا به از دست رفتن و یا فوت شدن ترجمه کرده‌اند که این ترجمه صحیحی است؛ زیرا:

اولاً: در هیچ لغت‌نامه‌ای اعم از فارسی یا عربی **(فات)** معادل **(ذهب)** نیامده است.

ثانیاً: آنچه از مردان مسلمان فوت شده ظاهراً مهریه‌ای بوده که به زنانشان داده شده که به دلیل ارتداد زنانشان از دستشان رفته است.

بنابراین عبارت (فاتکم)، در آیه فوق بهتر است به عبارت "از دست شما رفت" یا "رفته است"، ترجمه شود. لذا ترجمه صحیح عبارت ﴿**وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌمِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَىالْكُفَّارِفَعَاقَبْتُمْ**﴾ چنین است: (و اگر چیزی از همسران شما (به واسطه ارتداد آنان به سوی کفار) از دست شما رفت، پس شما مقابله کردید...)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

۳-۴- ﴿وَلَوْتَرَى إِذْفَزِعُواْفَلَافَوْتَ وَأُخِذُواْمِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (سبأ/۵۱)

الف- تفسیر و ترجمه:

این آیه درباره عذاب کفار نازل شده که مفسران آن را مربوط به فزع و جزع کفار در هنگام مرگ یا در هنگام قیامت یا در جنگ بدر (ر.ک: طبری، ۱٤۱۲، ج ۲۲: ۷۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ٤۰۸؛ زمخشری، ۱٤۰۷، ج ۳: ۵۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ٦۲۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۲: ۱۰۳) و حتی خروج سفیانی دانسته‌اند (میرزاخسروانی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۱۰۲) و عبارت (فلا فوت) را اکثراً به معنای عدم "ملجأ"، "مهرب" و "راه نجات از عذاب خداوند" (طبری، ۱٤۱۲، ج ۲۲: ۷۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ٤۰۸؛ زمخشری، ۱٤۰۷، ج ۳: ۵۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ٦۲۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۲: ۱۰۳) دانسته‌اند.

با توجه به تفاسیر وارده، مترجمان نیز ترجمه‌های متفاوتی از آیه آورده‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- و اگر ببینی که چون بترسند ، و نتوانند که بجهند ، ﴿وَأُخِذُوامِنْ مَكانٍ قَرِيبٍ﴾ و از جای نزدیک گرفته شوند هم آنجا که بودند (نسفی، ۱۳٦۷، ج ۲: ۸۱٦).
- و اگر بینی چون بترسند نبود فایت شدن و بگیرند ایشان را از جای نزدیک (ابوالفتوح رازی، ۱٤۰۸، ج ۱٦: ۷۷).
- اگر ببینی، آن گاه که سخت بترسند و رهایی شان نباشد و از مکانی نزدیک گرفتارشان سازند (آیتی، ۱۳۷٤: ٤۳۵).
- اگر ببینی آن دم که بترسند و رهایی شان میسر نباشد و از مکان نزدیکی گرفته شوند (پوجوادی، ۱٤۱٤: ٤۳۳).
- ای کاش ببینی: وقتی که به اضطراب مرگ افتادند، فوتی نیست و از مکانی نزدیک گرفته می‌شوند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۹).
- و اگر بینی هنگامی که بترسند پس نباشد فوتی و گرفته شوند از جایی نزدیک (شعرانی، ۱۳۷٤: ٤۰۳؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰: ٤۳٤؛ اشرفی تبریزی، ۱۳۸۰: ٤۳٤).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

- ولی به قیامت اگر تو آنها را بینی که چه بیقرارنـد و گویـا از همـین جـای نزدیـک و پناهگاه شان گرفتار شده‌اند [و راه فرار ندارند] (عاملی، ١٣٦٠، ج ٧: ٢٢١).

- اگر ببینی وقتی که ناله سر می‌دهند ولی راه فراری ندارند و از مکان نزدیکـی آنهـا را می‌گیرند (ارفع، ١٣٨١: ٤٣٤).

- و کاش می‌دیدی گاهی را کـه هراسـان شـوند پـس نیسـت گریـزی (در رفتنـی) و دستگیر شدند از جایگاهی نزدیک (معزی، ١٣٧٢: ٤٣٤).

- و اگر می‌دیدی هنگامی که کافران سخت ترسان و هراسان مـی‌شـوند و (فرشـتگان) نمی‌گذارند آنها فرار کنند و از جای نزدیک دستگیرشان می‌کنند (کاویانپور، ١٣٧٨: ٤٣٤).

- اگر ببینی هنگامی که ترسان شوند و جستن نباشد و از جـایی نزدیـک گرفتـه شـوند (خواجوی، ١٤١٠: ١٦٨).

- و چون تو ببینی کافرین را در قیامت که فزع می‌کنند پس کسـی از آنـان نیسـت کـه محشور نشود و از مکان نزدیک گرفته شوند (بانوی اصفهانی، ١٣٦١، ج ١٠: ٣٠٨).

- و اگر ببینی هنگامی که کافران هراسان شوند پـس هـیچ گریـزی نیسـت و دسـتگیر شوند از مکانی نزدیک (سراج، بی‌تا: ٤٣٤).

- و اگر ببینی وقتی که کافران (از عذاب سخت) فزع کنند و راه گریزی در کار نیسـت ، و از مکانی نزدیک دستگیر شوند (تعجب خواهی کرد) (قرائتی، ١٣٨٣، ج ٩: ٤٦٣).

- و اگر ببینی به هنگامی که به اضطراب افتاده‌اند، دانی که گـریختن نیارنـد و از جـایی نزدیک دستگیر شوند (فارسی، ١٣٦٩: ٨٦٩).

- کاش می‌دیدی آنگاه که [انکار ورزان] مضطر بشوند بی آنکه راه گریزی داشته باشـند و از نزدیک [به مجازات] گرفته شوند [چگونه حقایق را به روشنی درک می‌کننـد]. (طـاهری قزوینی، ١٣٨٠: ٤٣٤).

- و [به شگفت آیی] اگر ببینی آنگاه که مضطر بشوند. پس رهایی از عـذاب [در میـان] نخواهد بود و از جانبی نزدیک گرفتار شوند (انصاری، ١٣٧٧: ٤٣٤).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

ب- نقد و بررسی:

در بررسی‌های فوق و ترجمه آن باید گفت:

۱- اکثر نحویان کلمه **(وأُخِذوا)** را معطوف به کلمه **(فَزِعوا)** گرفته و **(واو)** آن را **(واو)** عطف و عبارت **(فلا فوت)** را جمله استینافیه یا معترضه می‌دانند (نحاس، ۱٤۲۱، ج ۳: ۲٤۲؛ زمخشری، ۱٤۰۷، ج ۳: ۵۹۳؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۲: ۱۰۳؛ دعاس، ۱٤۲۵، ج ۳: ۷٦؛ صافی، ۱٤۱۸، ج ۲۲: ۲٤۳؛ درویش، ۱٤۱۵، ج ۸: ۱۱۵) و اکثر مفسران نیز عبارت (فوت) را در این آیه "عدم امکان فرار و نجات از عذاب" (طبری، ۱٤۱۲، ج ۲۲: ۷۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸: ٤۰۸؛ زمخشری، ۱٤۰۷، ج ۳: ۵۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ٦۲۱؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۲: ۱۰۳) آورده‌اند.

۲- کلمه (فوت) با (لا)ی نفی جنس آمده و اسم (لا)ی نفی جنس است و خبر آن (لهم) محذوف می‌باشد که به ضمیر جمع در (فزعوا) برمی‌گردد و نمی‌تواند به شکل فعلی ترجمه شود. فوت به کلمه (الله) برنمی‌گردد و خبر آن نیز (الله) نیست که آن را به عبارت "از قدرت خدا خارج نمی‌شوند" ترجمه کنیم.

۳- بنابر مطالب قبلی، ترجمه (فلا فوت) در آیه فوق به عبارت‌هایی چون "فوتی نیست" یا "نبود فایت شدن" ترجمه عربی به عربی است و مترجمان به ترجمه فارسی عبارت (فلا فوت) نپرداخته‌اند.

٤- بانوی اصفهانی (فلا فوت) را به معنای "کسی نیست که محشور نشود" ترجمه کرده است. اما از آنجا که (لا)ی نفی جنس مربوط به نفی فرصت و امکان فرار و رهایی از عذاب خداست نه نفی شخصی و انسانی؛ و نفرمود (فلا احد) تا به عبارت "کسی نیست که محشور نشود" ترجمه شود و نیز با توجه به معانی لغوی واژه (فوت) و مشتقات آن، ترجمه صحیح به نظر نمی‌رسد مگر دلیلی برآن ذکر می‌شد که ایشان دلیلشان را ذکر نکرده‌اند.

۵- اکثر مترجمان فوق در ترجمه فارسی آیه، جمله (فلافوت) را بین معطوف و معطوف علیه آورده‌اند که به روانی ترجمه آنان خلل وارد کرده است؛ البته بسیاری از آنان عباراتی چون "عدم رهایی" و"عدم فرار و گریز از عذاب" را در ترجمه (فلافوت) آورده‌اند که برگرفته از متون تفاسیر است و بهتر بود فرصت یا زمان را نیز به آن می‌افزودند، زیرا

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

عبارت (فلافوت) به معنای "عدم فرصت و فرار از زمان" است و واژه‌هایی چون "رهـایی"، "فرار"، "نجات"، "گریز" و ... به تنهایی مفهوم واژه (فوت) را نمی‌دهد. چون هنگـامی کـه ما (فوت) را با (لا)ی نفی جنس در آیه فوق می‌بینیم به صورت لازم و ملزوم مفهـوم رهـایی و نجات را نیز مجبوریم بیاوریم. وگرنه اگر کلمه (فوت) با (لا)ی نفی جنس نمی‌آمد، هیچ‌گاه مـا نمی‌توانستیم آن را به معنای گریزی و رهایی ترجمه کنـیم. بنـابراین عبـارت (فلافـوت) بـا توجه به خبر محذوف آن که (لهم) می‌باشد باید به شکل مفهومی و در اصطلاح با ترجمـه‌ی معنوی ترجمه گردد و ترجمه لفظ به لفظ عبارت صحیح نیست.

٦- با توجه به نکاتی که در بالا گفتیم بهتر است آیه فوق را این گونـه ترجمـه کنـیم: "و ای کاش آنان (کفار) را بنگری، آن‌گاه که ترسان و هراسانند و از مکانی نزدیک گرفته شـوند، هیچ فرصت نجاتی از عذاب نیابنـد." در ترجمـه مـا عبـارت (فلافـوت) بـه عنـوان جملـه معترضه در پایان عبارت ترجمه شده است. ضمناً ترجمه (فلافوت) به عدم فرصـت نجـات از عذاب به این دلیل است که در کنه واژه (فوت) نوعی فاصله و درنگ دیده می‌شود و ایـن ترجمه با توجه به نظرات مختلف مفسرین و معنای لغوی (فوت) پیشنهاد گردید.

٧- با توجه به نظر اکثر مفسران در عبارت (و لو تری) که آن را (لو) شـرطیه کـه همـراه با نوعی شگفتی و تعجب زیاد است، گرفته‌اند (طوسی، بـی‌تـا، ج ٨: ٤٠٨؛ زمخشـری، ١٤٠٧، ج ٣: ٥٩٣؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ٨: ٦٢١؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ٢٢: ١٠٣)، مـا نیـز (لـو) را "ای کـاش" ترجمه کردیم. البته ممکن است نظراتی دیگر نیز در این زمینه مطرح شود کـه مهمتـرین آن، ترجمه (لو) به "اگر" در زبان فارسی است.

٣-٥- ﴿مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَهَلْ تَرَىمِن فُطُور﴾ (ملک/٣)

الف- تفسیر و ترجمه:

به دلیل ترجمه این آیه در این مقاله ما به نکات تفسیری بیشتری اشاره کرده و بعـد در ادامـه ترجمه‌های بیشتری را نیـز خـواهیم آورد. اکثـر مفسـران واژه (تفـاوت) را در ایـن آیـه بـه مفاهیمی چون اختلاف (طبری، ١٤١٢، ج ٢٩: ٣؛ طوسی، بی‌تا، ج ١٠: ٥٩؛ زمخشـری، ١٤٠٧، ج٤:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

٥٧٦؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥؛ ثعلبی، ١٤٢٢، ج ٩: ٣٥٦)، اضطراب (زمخشری، ١٤٠٧، ج ٤: ٥٧٦)، تناقض، اعوجاج (طوسی، بی‌تا، ج ١٠: ٥٩؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥؛ ثعلبی، ١٤٢٢، ج ٩: ٣٥٦) و عیب (طوسی، بی‌تا، ج ١٠: ٥٩؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥؛ ثعلبی، ١٤٢٢، ج ٩: ٣٥٦؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ٢٩: ١٦-١٨) تفسیر نموده و در ادامه آیه واژه (فطور) را به معنای "شکاف و سوراخ" (طوسی، بی‌تا، ج ١٠: ٥٩؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥؛ ثعلبی، ١٤٢٢، ج ٩: ٣٥٦؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ٢٩: ١٦-١٨) گرفته‌اند. برخی از آنان تفاوت به معنای اختلاف را ناشی از حکمت الهی دانسته که خللی به امر آفرینش وارد نمی‌کند؛ زیرا استوا و موزون بودن خلقت، امری حقیقی است (طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥).

در این میان ابن عاشور، (تفاوت) را به معنای "دوری و فاصله‌ی بین دو شیء" گرفته که همان مفهوم لغوی فوت است. او تفاوت را مبالغه در فوت دانسته و آن را به بُعد و فاصله تفسیر کرده است که این بُعد و فاصله در نتیجه عدم تناسب بین دو شیءای است که با هم مشابه نیستند و در این آیه تشبیه معقول به محسوس است (ر.ک: همان، بی‌تا، ج ٢٩: ١٦-١٨).

راغب اصفهانی در ذیل آیه فوق می‌گوید: «کلمه (تفاوت) که مصدر باب (تفاعل) از ماده (فوت) است، به معنای اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است، گویا این از آن دور و آن از این دور است، خصوصیات این در آن نیست و خصوصیات آن در این نیست، این کلمه هم در قرآن آمده: ﴿مَاتَرَىفِي خَلْقِ الرَّحْمنِ مِنْ تَفَاوُتٍ﴾ – در خلقت خدا چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد وجود ندارد» (راغب، ١٤١٢، ج ١: ٦٤٦).

علامه طباطبایی، ضمن بیان مطلب فوق می‌فرماید: «منظور از نبودن تفاوت در خلق، این است که تدبیر الهی در سراسر جهان زنجیروار متصل به هم است و موجودات بعضی به بعض دیگر مرتبطند، به این معنا که نتایج حاصله از هر موجودی عاید موجود دیگر می‌شود و در نتیجه دادن شبه موجوداتی دیگر وابسته و نیازمند است. در نتیجه اصطکاک اسباب مختلف در عالم خلقت و برخوردشان نظیر برخورد دو کفه ترازو است که درسبکی و سنگینی دائماً در حال مقابله می‌باشند، این می‌خواهد سبکی کند او نمی‌گذارد، او می‌خواهد

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

سنگینی کند این نمی‌گذارد، این می‌خواهد بلند شود او نمی‌گذارد، او می‌خواهد بلند شود این مانع می‌شود و نتیجه این کشمکش آن است که ترازو دار بهره‌مند می‌شود.

پس دو کفه ترازو در عین اختلاف شان در به دست آمدن غرض ترازودار اتفاق دارند و یا به عبارتی دیگر اختلاف آن‌ها است که باعث می‌شود ترازودار جنس کشیدنی خود را بکشد و وزن آن‌را معلوم کند. پس منظور از نبودن تفاوت در خلق این شد که خدای عز و جل اجزای عالم خلقت را طوری آفریده که هر موجودی بتواند به آن هدف و غرضی که برای آن خلق شده برسد و این از به مقصد رسیدن آن دیگری مانع نشود و یا باعث فوت آن صفتی که برای رسیدنش به هدف نیازمند است نگردد» (طباطبایی، ١٤١٧، ج ١٩: ٣٥٠).

ایشان کلمه "فطور" در آیه را به معنای اختلال و بی‌نظمی آورده است (همان، همان جا).

در تفسیر احسن الحدیث سخن نغزی ذیل آیه آمده است که عیناً می‌آوریم: «ما اگر یک کارخانه بزرگ ماشین را مثلاً در نظر بگیریم خواهیم دید میلیونها قطعات کوچک و بزرگ به هم پیوسته و آن کارخانه را به وجودآورده‌اند و همه با هم، ارتباط کامل دارند و هیچ یک آن دیگری را از دست نمی‌دهد و هر یک مشغول انجام وظیفه خودش است.

جهان مانند آن کارخانه یک مجموعه بسیار بزرگی است که همه واحدهای آن با هم ارتباط کامل دارند و در راه اهداف که معین شده پیش می‌روند و با هم ارتباط کامل دارند، هیچیک آن دیگری را فوت نمی‌کند. این است معنی﴿**ماتَرىفِي خَلْقِ الرَّحْمنِ مِنْ تَفاوُتٍ**﴾، این خود دلیل توحید و نفوذ مشیت خدا در اداره جهان است. ﴿فَارْجِعِ الْبَصَرَ﴾ برای تأکید مطلب می‌باشد» (قرشی، ١٣٧٧، ج ١١: ٢٥٤).

ترجمه این آیه نیز بسیار چالش برانگیز است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

- در خلق خدا تفاوتی نمی‌بینی، چشم ترا برگردان آیا خلل‌هایی مشاهده می‌کنی (قرشی، ١٣٧١، ج ١١: ٢٥٠)؟

- نه بینی در آفرینش خدای بخشنده هیچ فرقی، پس بازگردان چشم را آیا بینی هیچ نقصانی (اشرفی تبریزی، ١٣٨٠: ٥٦٢؛ مصباح زاده، ١٣٨٠: ٥٦٢)؟

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

- در آفرینشِ آن [خدای] بخشایشگر هیچگونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. بـازبنگر، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی (فولادوند، ١٤١٥: ٥٦٢)؟

- در خلقت خداوند رحمان هیچ اختلاف و اضطرابی نبینی ،دیده را بگردان، آیـا هـیچ شکافی [در آسمانها] می‌بینی (خواجوی، ١٤١٠: ٢٢٤)؟

- در آفرینش خدای رحمان هیچ تفاوت- اختلاف و خلل و بی‌نظمی- نمی‌بینـی پـس دیگربار دیده را بگردان و بنگر، آیا هیچ شکافی- خلل و نقصی- مـی‌بینـی (مجتبـوی، ١٣٧١: ٥٦٢)؟

- و هیچ نقص و کاستی در آفریده‌های الرّحمن به چشم نمی‌خورد، پس یکبـار دیگـر به آسمان نگاه کن! ببین آیا اثری از ناهمگونی و کاستی مشـاهده مـی‌کنـی (صـفارزاده، ١٣٨٠: ١٣٧٧)؟

- و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت، باز بارهـا بـه دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز درآن توانی یافت (الهی قمشه‌ای، ١٣٨٠: ٥٦٢)؟

- در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابسامانی و ناهمگونی نمـی‌بینـی، پسـبار دیگـر بنگر آیا هیچ خلل و نابسامانی و ناهمگونی می‌بینی (انصاریان، ١٣٨٣: ٥٦٢)؟

- و در آفرینش خدا [هیچ] تفاوت [و ناهماهنگی] نبینی. پس چشـم [خـود بـه سـوی آسمان] بگردان آیا هیچ شکافی در آن بینی (حلبی، ١٣٨٠: ٥٦٢)؟

- نمی‌بینی در نظام خلقت رحمان هیچ تفاوت و نقصی و تکرار، نظر نما آیـا مـی‌بینـی در نظام محکم آفرینش هیچ منقص تو سستی (بانوی اصفهانی، ١٣٦١، ج ١٤: ٥)؟

- و در آفرینش خدای رحمان هیچ گونه بی‌نظمی و نقصان نخواهی دید. پـس خـوب دقت کن، آیا هیچ عیب و نقصی در آن توانی یافت (کاویانپور، ١٣٧٨: ٥٦٢)؟

- هرگز در آفرینش خدای رحمان (از نظر زیبایی، اسـتواری واتقـان صـنع) تفـاوت و ناهمگونی نمی‌بینی، پس بار دیگر بنگر آیا (در خلق اشیا) هـیچ خلـل و شـکاف (و خـلاف حکمت) می‌بینی (مشکینی، ١٣٨١: ٥٦٢)؟

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

- (ای بیننده) تـو در آفـرینش خـدای بخشـنده تفـاوت و اخـتلاف (عیـب و نقصـی) نمی‌بینی (بلکه همه در کمال استواری و آراستگی آفریده شده) پس دیـده (ات) را برگـردان (بسوی آن نگاه کن) آیا (در آن) شکاف‌ها و رخنـه‌هـا مـی‌بینـی (فـیض‌الاسـلام، ١٣٧٨، ج ٣: ١١٢)؟!

ب- نقد و بررسی:

مترجمان در ترجمه این آیه به ویژه در ترجمه واژه (تفاوت) معانی مختلفی را ارائه کـرده‌انـد که بعضی از معانی، یکسان یا نزدیک به هم و بعضی متضاد و ناهماهنگ دیده مـی‌شـود. در نقد نظرات مترجمان فوق باید گفت:

١- بسیاری از آنان واژه (تفاوت) را به معنای فرق، اختلاف و تناقض ترجمه کرده‌انـد. در میان مفسران، طبرسی نیز (تفاوت) را به معنای "اخـتلاف و تنـاقض" آورده و آن را ناشـی از حکمت می‌داند (طبرسی، ١٣٧٢، ج ١٠: ٤٨٥). کـه ایـن حکمـت باعـث شـده هـیچ عیـب و اعوجاجی در عالم خلقت مشاهده نشود (همو، همان‌جا).

بسیاری از مفسران دیگر نیز (تفاوت) را به معنای اختلاف ظاهری آورده‌انـد کـه در بـالا به آن اشاره کردیم. به نظر می رسد با توجه به سیاق آیه و سایر آیات قرآن کریم کـه فـرق و اختلاف را بخشـی از نظـام آفـرینش مـی‌داننـد (ر.ک: روم/٢٢؛ فـاطر/٢٧ و ٢٨؛ هـود/١١٨؛ آل-عمران/١٩٠) چنین استنباطی صحیح نمی‌باشد؛ البته ما منکر نظام بی‌بـدیل خلقـت و آفـرینش متقن الهی نیستیم. ضمناً باید گفت اگر تفاوت در این آیه به معانی اختلاف، فـرق و تنـاقض بود، نباید این امور در آیه نفی می‌شد؛ زیرا نفی این امور بر خلاف سـایر آیـات قـرآن اسـت که در بالا اشاره کردیم؛ چراکه تمامی این امور وسیله پیشرفت و ترقی بشرند نـه اشـکالی در عالم خلقت. اختلاف و فرق در عالم خلقت ولو به شکل ظاهری کاملاً هویدا و حتـی یکـی از نشانه‌های تفکر در خلقت الهی است؛ مانند اختلاف در رنگها، زبانها، تفاوت شـب و روز، فقر و غنا، ملأ و مطرف، مستکبر و مستضعف، مؤمن و کافر و ...

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

۲- کاستی، نقص، خلل و عیب نیز نمی‌تواند معنای خوبی برای واژه (تفاوت) باشد؛ زیرا این امر نیز به وضوح در بین موجودات دیده می‌شود و ما نمی‌توانیم آن را رد کنیم. البته بعضی از مفسرین در ترجمه این واژه، تفسیری معنوی را ارائه کرده و می‌خواهند با تفسیری باطنی نقص و کاستی را از عالم خلقت مبرا بدانند و به اصطلاح خود همه چیز را بی‌نقص بدانند (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۳: ٥٦٢). حال آن که نقص به صورت ظاهری در عالم خلقت وجود دارد که حتی برخی از آن باعث اعطای درجات اخروی به انسان نیز می‌شود؛ مانند نقص در مال، نقص جسمانی و حتی نقص معنوی که وسایل رشد و تعالی انسان را فراهم می‌کند؛ چه عامل این نقص خدای متعال باشد یا عوامل طبیعی که باز هم مخصوص همین دنیاست. قرآن کریم نقص در اموال، انفس و ثمرات را به عنوان وسیله آزمایش انسان معرفی کرده و صابران را در این امور بشارت داده است.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ - (و قطعاً شما را به چیزی از [قبیلِ] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبای انرا) (بقره/۱۵۵)

در جایی دیگر نیز خداوند به عقیم بودن برخی از انسانها اشاره کرده و می‌فرماید: **﴿لِّلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ- أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾**- (فرمانروایی [مطلقِ] آسمانها و زمین از آنِ خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کسب خواهد فرزند دختر و به هر کسب خواهد فرزند پسر می‌دهد – یا آنها را پسر [ان] و دختر [انی] توأم با یکدیگر می‌گرداند و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا) (شوری/٤٩ و ٥٠).

۳- واژه‌هایی چون ناهمگونی، ناهماهنگی و بی‌نظمی نیز در ترجمه (تفاوت) کاملاً خطاست؛ زیرا در معانی مختلف واژه‌های (فوت) و (تفاوت) چنان که در بخش لغوی آوردیم، چنین مفاهیمی دیده نمی‌شود.

٤- تنها ترجمه‌ای که می‌توان در این آیه با توجه به لغت و سیاق آیه از واژه (تفاوت) ارائه داد که در نظرات برخی نیز دیده می‌شود، واژه‌هایی چون گسستگی و یا نیستی است

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

که هم از لحاظ علمی ثابت شده و هم در کنه واژه (فوت) که ریشه اصلی (تفاوت) است آمده است؛ زیرا:

الف– مفسرانی مانند علامه طباطبایی، ابن عاشور، قرشی و لغت نویسی مانند راغب به مفهوم اختصاصی (تفاوت) به معنای "نیستی" و "گسستگی" اشاراتی دارند که در بالا آوردیم. اما در تبیین نظر آنان باید بگوییم:

اولاً: راغب اصفهانی نیز گر چه (تفاوت) را به معنای "اختلاف در اوصاف" می‌داند، اما ایشان به این امر معتقد است شیئی در صورتی با شیء دیگر متفاوت است که شیء اول صفت شیء دیگر را دارا نیست. در واقع اختلاف بیند و شیء ناشی از فوت صفتی در هر یک از آنان است وگرنه تفاوت در بین دو شیء کاملاً مشابه صحیح نیست. زیرا هر دو دارای صفاتی مشترکند.

ثانیاً: ابن عاشور مفهوم دقیق و لغوی (فوت) را که دوری و فاصله‌ی بین دو شیء است در نظر گرفته و آن گاه تفاوت را مبالغه در آن می‌داند. بنابراین باید گفت دوری دو شیء و فاصله بین آن دو باعث نوعی گسستگی میان آنهاست و اگر مفاهیم ثانوی (فوت) را که همان تناقض و فرق و اختلاف ظاهری است در نظر بگیریم، نیازی به نفی آن در آیه فوق نیست.

ثالثاً: علامه طباطبایی (تفاوت) را ناشی از اختلاف بین اشیا به طوری می‌داند که هر یک با داشتن ویژگی‌های خاص تکمیل‌کننده شیء دیگری است به عبارتی دیگر علامه طباطبایی می‌خواهد بگوید که عالم خلقت نظامی به هم پیوسته‌اند که در عین جدا بودن هر نوع گسستگی را نفی کرده و هر یک تکمیل‌کننده‌ی دیگری است. اگر در عالم خلقت شکاف و گسستگی پیش آید، چنانکه در آخر آیه نیز با جمله استفهامی ﴿هَلْ تَرى مِنْ فُطُور﴾ آن را رد نموده است، تعادل خلقت به هم می‌خورد.

رابعاً: قرشی نیز خلقت را مانند حلقات زنجیری به هم پیوسته می‌داند که هیچ نوع نیستی و شکافی در آن دیده نمی‌شود.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

ب- ادامه آیه یعنی ﴿**فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرى مِنْ فُطُور**﴾ مؤید ترجمه واژه (تفاوت) به "گسستگی و نیستی" است؛ زیرا واژه (فطور) به معنای شکاف، مفهومی جز گسستگی را نشان نمی‌دهد که بسیاری از مفسران نیز به این امر اشاره کرده‌اند. اکثر آنان (فطور) را معادل واژه‌هایی چون (صدوع) و (شقوق) دانسته‌اند که در فارسی به "شکاف" و "سوراخ" ترجمه می‌شود. در واقع عبارت آخر آیه تأکیدی توأم با ژرف‌اندیشی بر معنای اول آیه به عدم گسستگی و نیستی در عالم خلقت اشاره دارد و این همان است که در آیه مورد نفی قرار گرفته و صحیح نیز همین است.

ج- بنابر قانون تبدیل ماده به انرژی و انرژی به ماده، هیچ‌گاه هیچ ماده‌ای در عالم خلقت از بین نمی‌رود و همواره از شکلی به شکل دیگر تغییر می‌کند و بنابراین قانون، هیچ نوع گسستگی و نیستی در آفرینش به وجود نمی‌آید.

د- حتی مرگ نیز باعث نابود شدن انسان و سایر موجودات زنده نمی‌شود، بلکه آنان را از عالمی به عالم دیگر منتقل می‌کند. (انبیاء/۳٦)

۱- بسیاری از مترجمان در ترجمه واژه (فطور) نیز در آخر آیه دچار خطا شده‌اند که به دلیل طولانی شدن بحث از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

۲- اکنون باید گفت که ترجمه صحیح ﴿**مَّاتَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَهَلْ تَرَىمِن فُطُور**﴾ چنین است: (تو هیچ گسستگی و نیستی در آفرینش خدای رحمان نمی‌بینی، پس چشم بگردان آیا در آن شکاف و رخنه‌ای بینی؟)

با این ترجمه اشکالاتی مانند نقص و اختلاف و تفاوت در عالم خلقت که به ذهن هر خواننده‌ای متبادر می‌شود و حق هم همین است دیگر پیش نمی‌آید؛ زیرا آفرینش خدای رحمان با همین اختلاف‌ها، نقص‌ها و پستی‌ها و بلندی‌ها در نگاه انسان ژرف‌اندیش، زیبا به نظر می‌رسد؛ چرا که همه انسانها و بسیاری از موجودات از نقص و کاستی است که به تکامل می‌رسند و وجود همین امور که در بالا گفتیم نشانه‌ای حکمت‌آمیز از خالقی حکیم است؛ ولی نیستی و گسستگی در عالم خلقت که معنی صحیح واژه (تفاوت) می‌باشد،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

نشانی از ساری بودن قدرت خدای واجب‌الوجود در عالم هستی است که خداوند با (**مـا**)ی نافیه آن را به طور کامل رد کرده و با ادامه آیه ﴿**فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرى مِنْ فُطُور**﴾ مهر بطـلان بر هر نوع گسستگی در اعماق آفرینش خویش زده است.

۴- نتیجه‌گیری

از بررسی و کاوش در واژه فوت و مشتقات آن در فرهنگ لغـات و ترجمـه فارسـی آیـات قرآن و نظرات مفسران به نتایجی دست یافتیم که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- اصلی ترین معنی واژه (فوت) در لغت همان عدم امکان نزدیکی مجدد بـین دو چیـز که از هم دور یا گسسته شده‌اند، مـی‌باشـد و سـایر مفـاهیمی چـون فاصـله بـین انگشـتان، اختلاف، اضطراب، فوت و ... از آن ریشه می‌گیرد.

۲- فعل (فات) در آیات سه‌گانه (ر.ک: آل‌عمران/ ۱۵۳؛ حدید/۲۳؛ ممتحنه/۱۱) بـا توجـه به سیاق آیات به از دست رفتن ترجمه می‌شود که بیشتر مترجمان در سوره‌های آل‌عمـران و حدید با اشکالاتی جزئی صحیح ترجمه کرده‌اند؛ امـا همـین واژه در سـوره ممتحنـه توسـط اکثر مترجمان به شکل غلط و به معنای "رفت" ترجمه شده است؛ زیرا بیش‌تر آنان (شـیء) را که فاعل (فات) می‌باشد، به معنای "زنان" گرفته‌اند و بر اساس همین خطـا (فـات) را بـه معنای (ذهب) ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای کاملاً خطاست.

۳- عبارت ﴿**فَلَافَوْتَ**﴾ (سبأ/۵۱) به معنی فرصتی برای نجات برای آنـان داده نمـی‌شـود، ترجمه می‌شود و سایر ترجمه ها با توجه به سیاق آیات صحیح نیست کـه غالـب مترجمـان آن را نیز صحیح ترجمه نکرده‌اند.

٤- معنای واژه تفاوت که انگیزه اصلی نگارش این مقاله است، در آیه سـوم سـوره ملـک به معنای نیستی و گسستگی ترجمه می‌شود و هر معنای دیگری غیر از آن به ویژه اخـتلاف، فرق و نقص، خلاف سیاق آیه و اصول کلی جهان آفرینش است. این واژه به جز در ترجمه قرشی و بعضی از نظرات مفسران در همه ترجمه‌هـای کنـونی و اکثریـت تفاسـیر برداشـت غلطی از آن شده و ترجمه صحیحی نیز از آن ارائه نشده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

۵- منابع

*قرآن کریم

۱- آیتی، عبد المحمد، *ترجمه قرآن (آیتی)*، انتشارات سروش: تهران، (۱۳۷٤ش).

۲- ابن درید الأزدی، أبو بکر محمد بن الحسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملایین: بیروت، (۱۹۸۷م).

۳- ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم و المحیط الأعظم*، دارالکتب العلمیة: بیروت، (۱٤۲٤ق).

٤- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵- ابن فارس، ابی الحسن احمد، *معجم مقاییس اللغة*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی: تهران، (۱٤۰٤ق).

٦- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر: بیروت، (۱۳۷٦ق).

۷- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن*، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی- دکتر محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی: مشهد، (۱٤۰۸ ق).

۸- ارفع، سید کاظم، *ترجمه قرآن (ارفع)*، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی: تهران، (۱۳۸۱ش).

۹- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، دار إحیاء التراث العربی: لبنان/ بیروت، (۱٤۲۱ق).

۱۰- اشرفی تبریزی، محمود، *ترجمه قرآن (اشرفی)*، انتشارات جاویدان: تهران، (۱۳۸۰ش).

۱۱- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ای)، انتشارات فاطمهٔ الزهراء: قم، (۱۳۸۰ش).

۱۲- انصاری خوشابر، مسعود، *ترجمه قرآن (انصاری)*، نشر و پژوهش فرزان روز: تهران، (۱۳۷۷ش).

۱۳- انصاریان، حسین، *ترجمه قرآن (انصاریان)*، انتشارات اسوه: قم، (۱۳۸۳ش).

۱٤- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، نهضت زنان مسلمان: تهران، (۱۳٦۱ش).

۱۵- برزی، اصغر، *ترجمه قرآن (برزی)*، بنیاد قرآن: تهران، (۱۳۸۲ش).

۱٦- بروجردی، سید محمد ابراهیم، *ترجمه قرآن (بروجردی)*، انتشارات صدر: تهران، (۱۳٦٦ش).

۱۷- بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، اسلامی: تهران، (۱۳۷۵ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

١٨- پاینده، ابوالقاسم، *ترجمه قرآن(پاینده)*، بی مک: بی نا، (بی‌تا).

١٩- پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن (پورجوادی)*، بنیاد دایرة المعارف اسلامی: تهران، (١٤١٤ق).

٢٠- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، (١٤٢٢ق).

٢١- جوهری، اسماعیل‌بن حماد، *تاج اللغه و صحاح العربیه (الصحاح اللغه)*، امیری: تهران، (١٣٦٨ش).

٢٢- حلبی، علی اصغر، *ترجمه قرآن (حلبی)*، انتشارات اساطیر: تهران، (١٣٨٠ش).

٢٣- خانی رضا، حشمت الله ریاضی، *ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة*، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور: تهران، (١٣٧٢ش).

٢٤- خواجوی، محمد، *ترجمه قرآن (خواجوی)*، انتشارات مولی: تهران، (١٤١٠ق).

٢٥- درویش، محیی الدین، *اعراب القرآن و بیانه*، دارالارشاد: سوریه، (١٤١٥ق).

٢٦- دعاس حمیدان، قاسم، *اعراب القرآن الکریم*، دارالمنیر و دارالفارابی: دمشق، (١٤٢٥ق).

٢٧- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات في غریب القرآن*، دارالعلم الدار الشامیة: بیروت/ دمشق، (١٤١٢ق).

٢٨- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، انتشارات امیر کبیر:تهران، (١٣٧١ش).

٢٩- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، *ترجمه قرآن (رضایی)*، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر: قم، (١٣٨٣ش).

٣٠- رهنما، زین العابدین، *ترجمه و تفسیر رهنما*، انتشارات کیهان: تهران، (١٣٤٦ش).

٣١- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتاب العربی: بیروت، (١٤٠٧ق).

٣٢- سراج، رضا، *ترجمه قرآن (سراج)*، شرکت سهامی انتشار: تهران، (بی‌تا).

٣٣- شعرانی، ابو الحسن، *ترجمه قرآن (شعرانی)*، انتشارات اسلامیة: تهران، (١٣٧٤ش).

٣٤- صاحب بن عباد، اسماعیل، *المحیط في اللغه*، عالم الکتب: بیروت، (١٤١٤ق).

٣٥- صافی، محمود بن عبد الرحیم، *الجدول فی اعراب القرآن*، مؤسسة الإیمان: دمشق بیروت، (١٤١٨ق).

٣٦- صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، *تفسیر صفی*، انتشارات منوچهری: تهران، (١٣٧٨ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

۳۷- طاهری قزوینی، علی اکبر، *ترجمه قرآن (طاهری)*، انتشارات قلم: تهران، (۱۳۸۰ش).
۳۸- طباطبایی سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: قم، (۱٤۱۷ق).
۳۹- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو: تهران، (۱۳۷۲ش).
٤۰- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیرالقرآن*، دارالمعرفه: بیروت، (۱٤۱۲ق).
٤۱- طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، کتابفروشی مرتضوی: تهران، (۱۳۷۵ش).
٤۲- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی: بیروت، (بی‌تا).
٤۳- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات صدوق: تهران، (۱۳٦۰ش).
٤٤- فارسی، جلال الدین، *ترجمه قرآن (فارسی)*، انجام کتاب: تهران، (۱۳٦۹ش).
٤۵- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی: بیروت، (۱٤۲۰ق).
٤٦- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، انتشارات هجرت: قم، (۱٤۱۰ق).
٤۷- فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن (فولادوند)*، دارالقرآن الکریم(دفتر مطالعات تاریخ ومعارف اسلامی): تهران، (۱٤۱۵ق).
٤۸- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، دار الکتب العلمیة: بیروت، (۱٤۱۵ق).
٤۹- فیض الاسلام، سید علی نقی، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، انتشارات فقیه: تهران، (۱۳۷۸ش).
۵۰- فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر: تهران، (۱٤۱۵ق).
۵۱- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن: تهران، (۱۳۸۳ش).
۵۲- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت: تهران، (۱۳۷۷ش).
۵۳- ----------، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه: تهران، (۱۳۷۱ش).
۵٤- کاویانپور، احمد، *ترجمه قرآن (کاویانپور)*، سازمان چاپ وانتشارات اقبال: تهران، (۱۳۷۸ش).
۵۵- گرمارودی، سید علی، *ترجمه قرآن (گرمارودی)*، انتشارات قدیانی: تهران، (۱۳۸٤ش).
۵٦- مجتبوی، سید جلال الدین، *ترجمه قرآن (مجتبوی)*، انتشارات حکمت: تهران، (۱۳۷۱ش).
۵۷- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، دار الفکر: بیروت، (۱٤۱٤ق).
۵۸- مشکینی، علی، *ترجمه قرآن (مشکینی)*، الهادی: قم، (۱۳۸۱ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]

٥٩- مصباح زاده، عباس، *ترجمه قرآن (مصباح‌زاده)*، سازمان انتشارات بدرقه جاویدان: تهران، (١٣٨٠ش).

٦٠- مصطفوی، حسن، *التحقیق في کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران، (١٣٦٨ش).

٦١- ----------، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب: تهران، (١٣٨٠ش).

٦٢- معزی، محمد کاظم، *ترجمه قرآن (معزی)*، انتشارات اسوه: قم، (١٣٧٢ش).

٦٣- مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن (مکارم)*، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ ومعارف اسلامی): قم، (١٣٧٣ش).

٦٤- میرزا خسروانی، علی رضا، *تفسیر خسروی*، انتشارات اسلامیه: تهران، (١٣٩٠ق).

٦٥- نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، *اعراب القرآن (نحاس)*، منشورات محمدعلی بیضون، دار الکتب العلمیة: بیروت، (١٤٢١ق)

٦٦- نسفی، ابوحفص نجم‌الدین محمد، *تفسیر نسفی*، انتشارات سروش: تهران، (١٣٦٧ش).

٦٧- نوبری، صادق، عبد المجید، *ترجمه قرآن (نوبری)*، سازمان چاپ وانتشارات اقبال: تهران، (١٣٩٦ق).

٦٨- ----------، *ترجمه قرآن (صفارزاده)*، موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر: تهران، (١٣٨٠ش).

٦٩- یاسری، محمود، *ترجمه قرآن (یاسری)*، انتشارات بنیاد فرهنگی امام‌مهدی (عج): قم، (١٤١٥ق).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-11]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1398.6.12.7.9]